

مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه شهید چمران اهواز، زمستان ۱۳۸۶
دوره سوم، سال چهاردهم، شماره ۴
ص: ۱۳۲-۱۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۰۶/۲۱
تاریخ بررسی مقاله: ۸۶/۰۷/۰۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۱۰/۱۹

ارزیابی عملکرد شوراهای آموزش و پرورش استان در فراهم ساختن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش

دکتر احمدرضا نصر*، احمد عابدی*، صدیقه کریمی***
وجیهه گمینیان****، لیلا شکوهنده***** و زهره باقری*****

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی عملکرد شوراهای آموزش و پرورش در زمینه فراهم کردن بستر مناسب برای نظارت مردم بر آموزش و پرورش و شناسایی موانع انجام این وظیفه می‌باشد که در قالب پنج سؤال مطرح شده است. جامعه آماری این پژوهش، اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق آموزش و پرورش کشور طی سال‌های ۸۱ تا ۸۳ است. از میان آنها، تعداد ۴۱ نفر از اعضای شورای آموزش و پرورش استان‌های خوزستان، مازندران، آذربایجان شرقی، کردستان، کرمان و اصفهان و تعداد ۳۱۳ نفر از اعضای شوراهای آموزش و پرورش شهرستان و مناطق استان‌های فوق به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. همچنین کلیه صورتجلسات و مصوبات ۲۹ استان کشور طی دو سال مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش از سه ابزار فهرست وارسی تحلیل محتوا، مصاحبه و پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. نتایج این پژوهش حاکی است، در مجموع شوراهای آموزش و پرورش در فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و

* دانشیار دانشگاه اصفهان، arnasr@edu.ui.ac.ir

** دانشجوی دکترای روانشناسی

*** دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی

**** کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

***** کارشناس ارشد مشاوره

***** کارشناس مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

پرورش، عملکرد ضعیفی داشته‌اند. از جمله دلایل آن، فعال نبودن انجمن اولیا و مربیان، تأثیر مشکلات مالی، عدم آگاهی از وجود شورا، ضعف راهکارهای قانونی و دستورالعمل‌های اجرایی، دیدگاه غلط مسئولان، تمرکزگرایی، ضعف فرهنگ نظارت و فاصله میان آموزش و پرورش و سایر بخش‌های جامعه بوده است. شوراها می‌توانند با استفاده از فرصت‌هایی مانند وجود انجمن اولیا و مربیان در مدارس، حضور نمایندگان مردم و دولت در شورا و قوانین موجود در آموزش و پرورش، امکان نظارت هر چه بیشتر مردم بر آموزش و پرورش را فراهم کنند.

کلیدواژگان: شورای آموزش و پرورش، عملکرد، نظارت مردم

مقدمه

به وجود آمد که شوراها در جلب همکاری و حمایت‌های مردمی در اداره امور آموزش و پرورش نقش اساسی ایفا کنند.

با گذشت یک دهه از تصویب قانون و تشکیل شوراها لازم است عملکرد شوراهای آموزش و پرورش مبنای یک مطالعه علمی قرار گیرد. منظور از عملکرد، اقدامات، فعالیت‌ها، طرح‌ها و برنامه‌هایی است که در خصوص تحقق اهداف و وظایف قانونی شورای آموزش و پرورش طی سال‌های ۸۱، ۸۲ و ۸۳ انجام گرفته است. بدین منظور پژوهشی با هدف بررسی عملکرد شوراهای آموزش و پرورش، همچنین بررسی موانع و تهدیدهای موجود بر سر راه آنها و فرصت‌های موجود انجام شده است. در این مقاله فقط یافته‌های پژوهش در مورد عملکرد شوراهای آموزش و پرورش در فراهم کردن زمینه نظارت مردم در امر آموزش و پرورش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با رشد و توسعه فرهنگ سیاسی، اجتماعی جامعه و تأکید قانون اساسی بر ایجاد شوراها، در سال ۱۳۷۲ قانون شوراهای آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. پس از ابلاغ این قانون به استان‌ها، اولین شورای آموزش و پرورش رسماً در تاریخ ۷۴/۳/۸ در استان کرمان و پس از آن به ترتیب در استان‌های یزد، گیلان، اصفهان و مرکزی تشکیل گردید. در حال حاضر، در تمامی استان‌های کشور این شوراها تشکیل شده است. در سال ۱۳۷۸ نیز بر اساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، شوراهای آموزش و پرورش مناطق تشکیل گردید. از این رو نقش شوراهای آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد رسمی در نظام آموزشی جامعه مشخص گردید و این انتظار

ارائه و بررسی می‌شود.

با ایفای نقش نظارت و رهبری بر امور می‌توانند تضمین‌کننده این تطابق باشند، اما صاحب‌نظران در سال‌های اخیر این وظیفه را مختص مدیران و ناظران آموزشی نمی‌دانند و دامنه آن را به عموم افراد جامعه تعمیم داده‌اند. به عقیده قاسمی پویا (۱۳۸۲)، ص (۷۱) تشکیل شوراهای گوناگون اجتماعی و آموزشی که بر لزوم و اهمیت آنها همواره تأکید می‌شود ریشه در این اندیشه دارد که دیگر زمان مدیریت فردی و ساختارهای اجتماعی و آموزشی خود مدارانه سپری شده است. تأکید بر مدرسه محوری و تشکیل انواع شوراها در مدارس نشان از این واقعیت دارد که ساختارهای فردگرا دیگر پاسخگو نیستند و لازم است هر چه زودتر جای خود را به ساختارهای مشارکتی و جمع‌گرا بدهند. مک لگان و نل^۴ (۱۳۷۲) نیز بر این باورند که سازمان‌ها از صورت استبدادی به سمت سازمان‌های مشارکتی در حرکتند و در نهایت، به سوی جهانی مشارکتی که در آن تمام نظام‌های منطقه‌ای، محلی و سازمانی به صورت مشارکتی اداره خواهد شد، پیش می‌روند. در این راستا، سیمونز (۱۳۸۳) اظهار می‌دارد: «مدیریت شورایی و ایده جهانی

بررسی پیشینه تحقیق

تلاش صاحب‌نظران در سال‌های گذشته به ارائه تعاریف زیادی برای نظارت منجر شده است. وایلز و باندی^۱ (۱۳۸۲) اظهار داشته‌اند «نظارت، مرحله‌ای از مدیریت اداری مدرسه است که هدف عمده آن حصول انتظارات آموزشی متناسب با سیستم آموزش و پرورش است». کوغان^۲ معتقد است «نظارت در بردارنده فعالیت‌هایی چون برنامه نویسی، بازنگری برنامه‌های تحصیلی، آماده سازی مطالب آموزشی، استفاده از ابزارها، تهیه گزارش به والدین و توجه وسیع به ارزشیابی کلی برنامه‌ها است». استوپز^۳ و استوپز نیز معتقدند «نظارت کاری است که به قصد بهبود تدریس و برنامه آموزشی انجام می‌گیرد».

همه این تعاریف به این نکته اشاره دارند که این اقدام‌ها برای اطمینان از آنکه جریان فعالیت‌ها مطابق با انتظارات صورت می‌گیرد، انجام می‌شود. بر اساس دیدگاه‌های سنتی مدیریت، مدیران و راهنمایان آموزشی،

1- Vailze & Bandy

2- Cogan

3- Stoops

4- Mc Legan & Nell

گرفتاری‌های آن بر نمی‌آیند و اگر مردم در کارهای این نظام مشارکت و نظارت نداشته باشند، جامعه دچار آسیب‌های فراوانی خواهد شد (اکرمی، ۱۳۸۲، ص ۱۳). علاوه بر موارد مذکور، بررسی‌های روانشناختی نشان می‌دهد که هر گاه مردم فرصت بیان اندیشه‌های خود را بیابند و در تصمیمی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارد شریک شوند، آفرینندگی بیشتری از خود نشان می‌دهند و مسئولیت بیشتری می‌پذیرند (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۳). به طور کلی، دخالت و نظارت در تصمیم‌گیری و اجرا باعث می‌شود تا مردم رضایت خاطر بیشتری به دست آورند.

با توجه به اهمیت سازمان‌های آموزشی و پرورشی و استقبال روزافزون جوامع از آنها، دولت‌ها سعی دارند با اتخاذ تصمیمات بخردانه، به آرمان و انتظارات جامعه خود در قالب مصوبات قانونی پاسخ دهند و به سازماندهی و ایجاد تشکیلات منظم و منسجم برای تحقق اهداف، قوانین و برنامه‌ها مبادرت ورزند. از جمله این اقدامات تبدیل نظام آموزشی به نظام شورایی است. در این نظام، شوراها از سطح مدرسه تا وزارتخانه تشکیل شده، تصمیم‌گیری و اقدامات لازم از طریق آنها انجام می‌شود. یکی از وظایف این شوراها فراهم کردن زمینه نظارت مردم در

شدن مدیریت شورایی و مشارکتی مستلزم فروپاشی نگرش قدیمی آمرانه مدیریت است و به کارگیری گروه‌های شهروندان را در سیاستگذاری‌ها گسترش می‌دهد» (ص ۴۹). با توجه به این ایده، صاحب‌نظران مدیریت آموزشی از جمله جمالی^۱ (۲۰۰۵) و کارنال^۲ (۲۰۰۳) در فرایند تغییر مدیریت، بر تمرکززدایی در نظام آموزشی، مشارکت مردم در این نظام و نظارت هر چه بیشتر آنها تأکید دارند. علت چنین اعتقادی این است که سازمان آموزش و پرورش، یکی از سازمان‌های مهم و مؤثر در جهان امروز و آینده است و سازمانی است که با رشد و توسعه فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه پیوندی ناگسستنی دارد. سرجیوانی و استارات^۳ (۱۹۹۳) نیز معتقدند نظارت و مشارکت مردم در آموزش و پرورش به دلیل هماهنگ کردن و همسو کردن ظرفیت‌های افراد در بهبود و اصلاح نظام آموزشی مؤثر است.

نکته دیگر آن است که همه مسئولان و آحاد جامعه واقفند که دولت‌ها به تنهایی از عهده اداره امور آموزش و پرورش و رفع

1- Jamali

2- Carnall

3- Sergiovanni & Starratt

- سطح مدرسه است. برای مثال، در اساسنامه شورای دبستان هامتی دوو^۱ (۲۰۰۵) آمده است والدین حق دارند بر آموزش رسمی فرزندانشان نظارت داشته و در توسعه و تدوین خط مشی‌های نظام آموزشی مشارکت نمایند. والدین مسئولیت دارند علاقه وافر خود را نسبت به آموزش رسمی فرزندانشان نشان دهند؛ با کارکنان، سایر والدین و کودکان برای جذاب نمودن آموزش فرزندانشان همکاری کنند؛ مسئولین مدرسه را از نحوه پیشرفت تحصیلی و وقایعی که ممکن است بر یادگیری فرزندانشان تأثیر گذارند، آگاه ساخته و از خط مشی‌های پذیرفته شده مدرسه حمایت کنند (ص ۲).
- در همین راستا، در بیانیه مربوط به خط مشی شورای آموزش و پرورش ایالت تنسی^۲ (۲۰۰۵) تأکید شده، لازم است زمینه همکاری و نظارت والدین مطابق با طرحی که با همکاری و موافقت والدین تهیه می‌شود، فراهم گردد. این طرح باید:
- * برای والدین فرصت‌هایی را فراهم کند تا آنها در زمینه مشارکت معنادار در اجرای برنامه‌های درسی و تصمیم‌گیری‌ها آموزش ببینند.
- * استراتژی‌هایی را تعیین کند که به اعضای خانواده اجازه می‌دهد تجارب آموزشی معناداری را برای فرزندان خود فراهم کنند و
- * زمینه مشارکت و نظارت آنها بر شناسایی و رفع نیازهای فردی کودکان و خانواده‌هایشان را فراهم کند (ص ۸).
- بر اساس همین نیاز، در کشور ما، قانون شوراها به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون از جمله قانون‌هایی است که درصدد بهره‌مندی از ظرفیت‌های مختلف جامعه در جهت توسعه نظام آموزشی کشور می‌باشد. مهمترین هدف قانون شوراهای آموزش و پرورش؛ بسیج کلیه امکانات، سرمایه‌ها، منابع ملی و منطقه‌ای و بهره‌گیری بهینه از آنها در پیشبرد اهداف نظام تعلیم و تربیت کشور است و با اجرای این قانون، مردم و سایر دستگاهها و سازمان‌ها در امر آموزش و پرورش مشارکت فعال داشته، بر چگونگی اجرای آن نظارت خواهند نمود (فلاح‌پور، ۱۳۷۹ الف ص ۷).
- این قانون مسئولیت‌های فراوانی از جمله فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش را به شوراها واگذار کرده است. بدیهی است هر تحولی، مقاومت‌ها، عدم هماهنگی و دهها مسائل دیگر را پیش رو

1- Humpty Doo

2- Tennessee State Board of Education-1

دارد، اما شوراهای باید در سراسر کشور مصمم باشند تا این قانون را اجرا کنند، زیرا با اجرای قانون شوراهای می‌توان از کلیه ظرفیت‌های اجرایی، ملی، فرهنگی و سیاسی به نفع آموزش و پرورش استفاده کرد و این همکاری، تحول بزرگی را به همراه خواهد داشت. قاسمی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای پیرامون تحقق اهداف شوراهای آموزش و پرورش که در شهرستان‌ها و مناطق آموزشی استان اصفهان انجام شد، نشان داد که مساعد ساختن نظارت مردم بر آموزش و پرورش، از جمله مصادیق تحقق اهداف شوراهای آموزش و پرورش می‌باشد. اما اظهارات و نتایج سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهد آنها در فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش موفقیت چندانی نداشته‌اند.

سالاریان (۱۳۷۹) درباره این عدم موفقیت می‌گوید، نظام شورایی با نظام متمرکز اجرایی کشور سنخیتی نداشته، اجرای قوانین شوراهای آموزش و پرورش عملی بر خلاف یک عادت دیرینه ملی است، زیرا با گذشت بیش از ده سال از تصویب این قانون، هنوز فرهنگ همکاری و حمایت گروه‌های مختلف به طور گسترده فراهم نشده است و مدیران برجسته و مسئولان رده بالای استان‌ها چندان به آینده این قانون

دلخوش و امیدوار نیستند.

تقوی طلب (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان بررسی چگونگی توسعه فرهنگ مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش استان‌های منطقه یک کشوری (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، همدان، زنجان و کردستان) موانع اجرای قانون شوراهای از نظر اعضاء را این چنین بیان کرده است:

نبودن امکانات مالی، عدم ضمانت اجرایی، عدم اختیارات کافی شوراهای، عدم آگاهی مسئولین و مردم از قانون شوراهای، قانونمند نبودن امور (عدم صراحت قوانین)، عدم همکاری افراد متخصص، عدم قدرت اجرایی کافی، کمبود تبلیغات، دولتی بودن شوراهای، شعاری و آرمانی بودن شوراهای، تکیه به مسائل اقتصادی و مادی، نبودن نماینده معلمان در شوراهای، حاکمیت فرهنگ سنتی و اداری مرسوم و ایجاد فاصله بین مردم و دولت، جدید بودن قانون شوراهای، تضاد میان سیستم اجرایی و شورایی و تشریفاتی بودن قانون شوراهای.

با توجه به دیدگاهها و نتایج پژوهش‌های انجام شده در فاصله زمانی حدود پنج سال که از آخرین پژوهش انجام شده در مورد عملکرد شوراهای آموزش و

پرورش می‌گذرد، لازم است عملکرد آنها مطالعه شود تا بر اساس یافته‌ها بتوان چگونگی عملکرد آنها را در زمینه اهدافی که در قانون پیش‌بینی شده است ارزیابی نمود. به همین جهت، مسأله اصلی پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه عملکرد شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها در خصوص فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش است که در چارچوب پنج سؤال زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

روش پژوهش

پژوهش حاضر کمی و کیفی بوده و در آن از روش زمینه‌یابی و روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

جامعه و نمونه

جامعه آماری پژوهش، اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های سراسر کشور طی سال‌های ۸۱ تا ۸۳ می‌باشد. برای نمونه‌گیری با مشاوره با کارشناسان معاونت توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش، شوراهای استان بر اساس عملکرد در سه دسته خوب، متوسط و ضعیف دسته‌بندی شدند. سپس، از هر دسته به صورت تصادفی دو استان انتخاب شد که شامل استان‌های خوزستان، اصفهان، کردستان، آذربایجان شرقی، کرمان و مازندران می‌باشد. سپس، به صورت تصادفی

۱. شوراهای آموزش و پرورش استان‌های کشور چه اقدام‌هایی برای فراهم کردن نظارت مردم بر آموزش و پرورش انجام داده‌اند؟

۲. از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های کشور، میزان موفقیت شوراهای آموزش و پرورش در زمینه فراهم کردن نظارت مردم بر آموزش و پرورش چه میزان بوده است؟

۳. از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های کشور، چه موانعی بر سر راه نظارت مردم بر آموزش و پرورش وجود دارد؟

۴. از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های کشور، چه فرصت‌هایی برای فراهم کردن نظارت مردم بر آموزش و

از میان اعضاء شورای هر استان ۶ تا ۹ نفر و جمعاً ۴۱ نفر برای انجام مصاحبه انتخاب شدند. علاوه بر آن، تعداد ۳۱۳ نفر از اعضای شوراهای شهرستان و مناطق همان استان‌ها برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. همچنین، کلیه مصوبات و صورت جلسات سه سال شورای تمام استان‌ها در سطح کشور (۲۹ استان) بررسی شده است.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر از سه ابزار به شرح زیر استفاده شده است:

فهرست واری: با ابزار فهرست واری (چک لیست) کلیه صورتجلسات شوراهای ۲۹ استان طی سال‌های ۸۳-۸۱ بررسی و تجزیه و تحلیل شد. در بعد کمی، تعداد مصوبات مربوط به هر مقوله و در بعد کیفی، کیفیت موضوعات، طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به آنها، با استفاده از مقیاس سه درجه‌ای لیکرت (خوب، متوسط و ضعیف) بررسی شده است. برای تعیین روایی فهرست واری، از نظر متخصصان استفاده شد، بدین صورت که پس از تهیه، فهرست در اختیار ده نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی و آموزش و پرورش عضو شورا، قرار گرفت.

برای تعیین پایایی از روش ضریب توافق (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۹) استفاده شد که ضریب بدست آمده ۹۰/۳۲ می‌باشد. با استفاده از این روش، ابتدا یکی از همکاران پژوهش صورتجلسه‌های مورد نظر را با استفاده از فرم تهیه شده برای تحلیل محتوا کدگذاری کرد. سپس، یکی دیگر از همکاران، همان صورتجلسه‌ها را مطالعه و کدگذاری نمود. سپس با استفاده از فرمول زیر محاسبه انجام گرفت:

$$\frac{\text{مقوله‌های مورد توافق}}{\text{کل مقوله‌ها}} \times 100$$

مصاحبه: از ابزار مصاحبه برای بررسی میزان فراهم شدن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش و تهدیدها و فرصت‌های موجود در این زمینه استفاده شده است. برای تعیین روایی سؤال‌های مصاحبه، از روایی محتوا و نظر متخصصان استفاده شد.

پرسشنامه: از پرسشنامه برای بررسی فرصت‌های ایجاد شده بر اثر تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در مناطق و شهرستان‌ها استفاده شد. برای تعیین روایی ابزار، از نظر متخصصان استفاده گردید. پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ۰/۹۲ می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل اطلاعات حاصل از ابزارهای فهرست واریسی و پرسشنامه از آمار توصیفی استفاده شده است. علاوه بر آن، از آزمون‌های F و t نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه استفاده شده است. داده‌های مصاحبه و سؤالات باز پاسخ پرسشنامه با روش مقوله‌بندی، تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

چنان که گفته شد یافته‌های این پژوهش از سه طریق به دست آمده است. ابتدا یافته‌های مربوط به عملکرد شوراهای آموزش و پرورش در خصوص فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر اساس تحلیل محتوای مصوبات ۲۹ استان طی سال‌های ۸۱ تا ۸۳ در ابعاد کمی و کیفی ارائه می‌شود. سپس دیدگاه‌های اعضای شوراهای که از طریق مصاحبه به دست آمده، بررسی می‌شود و در پایان، داده‌های پرسشنامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند:

سؤال اول پژوهش: شوراهای آموزش و پرورش استان‌های کشور، چه اقدام‌هایی برای فراهم کردن نظارت مردم بر آموزش و

پرورش انجام داده‌اند؟

برای بررسی کمیت و کیفیت عملکرد شوراهای در زمینه فراهم کردن امکان نظارت مردم بر آموزش و پرورش، سه مقوله به شرح زیر مبنای تجزیه و تحلیل‌ها قرار گرفت:

۱. استقرار نظام پیشنهادها در آموزش و پرورش؛
۲. برنامه‌ریزی برای نظارت انجمن‌های اولیا و مربیان بر فعالیت‌های مدارس؛

۳. بررسی و تصویب مکانیسم‌هایی برای نظارت اولیاء دانش‌آموزان بر عملکرد مدارس.

مصوبات مربوط به هر یک از مقوله‌ها با استفاده از مقیاس سه درجه‌ای لیکرت (خوب=خ، متوسط=م و ضعیف=ض) درجه بندی و سپس تعداد آنها شمارش گردید (جدول شماره ۱). سپس با توجه به مقادیر در نظر گرفته شده برای هر یک از سه درجه مقیاس (خ=۳، م=۲ و ض=۱) میانگین وزنی کل مقوله‌ها برای هر استان محاسبه و در ستون «ن» جدول شماره یک درج گردید.

بر اساس اطلاعات جدول شماره یک، در طی سال‌های ۸۱ تا ۸۳ از نظر کمیت، شورای آموزش و پرورش استان کرمانشاه

جدول ۱. توزیع فراوانی کمی و کیفی مقوله‌های مربوط به عملکرد شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها در فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش در سال‌های ۸۱ تا ۸۳

میانگین مقوله‌ها	مکانیسم‌های نظارت اولیا بر مدرسه				نظارت انجمن اولیا و مربیان بر مدرسه				استقرار نظام پیشنهادها				مقوله مقیاس	استان
	ن	ض	م	خ	ن	ض	م	خ	ن	ض	م	خ		
۲۵	۲۲	۱۴	۱	۲	۲۲	۱۴	۱	۲	۳۱	۹	۲	۶	آذربایجان شرقی	
۱۳/۶	۱۳	۱۰	۰	۱	۱۱	۱۱	۰	۰	۱۷	۷	۲	۲	آذربایجان غربی	
۱۸/۶	۱۷	۱۱	۰	۲	۱۵	۱۲	۰	۱	۲۴	۷	۱	۵	اردبیل	
۱۱/۳	۱۶	۱۱	۱	۱	۱۳	۱۳	۰	۰	۲۳	۷	۲	۴	اصفهان	
۴۷/۶	۴۰	۲۵	۰	۵	۴۲	۲۴	۰	۶	۶۱	۱۲	۵	۱۳	ایلام	
۲۳/۶	۲۱	۱۲	۰	۳	۱۷	۱۴	۰	۱	۳۳	۶	۰	۹	بوشهر	
۲۵/۶	۲۳	۱۹	۲	۰	۲۳	۲۰	۰	۱	۳۱	۱۵	۱	۵	چهارمحال بختیاری	
۲۱	۲۱	۱۲	۰	۳	۱۵	۱۵	۰	۰	۲۷	۸	۲	۵	خراسان	
۱۴/۶	۱۶	۱۰	۳	۰	۱۶	۱۱	۱	۱	۲۸	۵	۱	۷	خوزستان	
۳۷/۶	۳۲	۱۷	۰	۵	۲۸	۹	۰	۳	۵۳	۸	۳	۱۱	زنجان	
۲۴	۲۴	۱۹	۱	۱	۲۱	۲۱	۰	۰	۲۷	۱۷	۲	۲	سمنان	
۲۰	۱۶	۱۳	۰	۱	۱۵	۱۳	۱	۰	۲۹	۶	۱	۷	سیستان و بلوچستان	
۳۸/۳	۳۵	۲۲	۲	۳	۳۴	۲۳	۱	۳	۴۶	۱۵	۵	۷	شهر تهران	
۳۶/۶	۳۰	۲۴	۰	۲	۲۹	۲۴	۱	۱	۶۱	۶	۵	۱۵	شهرستانهای تهران	
۲۳/۶	۲۲	۱۵	۲	۱	۱۸	۱۸	۰	۰	۳۱	۱۰	۳	۵	فارس	
۳۴/۳	۳۱	۱۲	۲	۵	۲۹	۱۴	۰	۵	۴۳	۱۲	۰	۷	قم	
۱۸	۱۵	۱۲	۰	۱	۱۷	۱۱	۰	۲	۲۲	۸	۱	۴	قزوین	
۱۶/۶	۱۳	۱۱	۱	۰	۱۳	۱۱	۱	۰	۲۴	۵	۲	۵	کردستان	
۹/۳	۹	۶	۰	۱	۸	۶	۱	۰	۱۱	۵	۰	۲	کرمان	
۵۱/۳	۴۸	۳۴	۱	۴	۴۳	۳۶	۲	۱	۶۳	۲۵	۴	۱۰	کرمانشاه	
۴۸/۶	۴۳	۲۸	۳	۳	۴۲	۲۸	۴	۲	۶۱	۱۷	۷	۱۰	کهگیلویه بویر احمد	
۷/۳	۸	۵	۰	۱	۶	۶	۰	۰	۸	۵	۰	۱	گیلان	
۳۱	۲۶	۱۹	۲	۱	۲۴	۲۰	۲	۰	۴۳	۱۰	۳	۹	گلستان	
۳۰/۶	۲۸	۱۶	۳	۲	۲۶	۱۸	۱	۲	۳۸	۱۲	۱	۸	لرستان	
۲۸	۲۴	۲۱	۰	۱	۲۴	۲۱	۰	۱	۳۶	۱۴	۵	۴	مازندران	
۴۰/۶	۳۴	۲۶	۱	۲	۳۳	۲۷	۰	۲	۵۵	۱۶	۳	۱۱	مرکزی	
۳۲	۲۶	۱۹	۲	۱	۲۲	۲۲	۰	۰	۴۸	۸	۲	۱۲	همدان	
۳۸/۶	۳۶	۲۲	۱	۴	۳۴	۲۳	۱	۳	۴۶	۱۶	۳	۸	هرمزگان	
۳۲/۶	۳۳	۲۱	۰	۴	۲۹	۲۳	۰	۲	۳۶	۱۹	۱	۵	یزد	

پرورش چه میزان بوده است؟ (۳۹ مصوبه) بالاترین تعداد مصوبه را داشته و بعد از آن شورای استان‌های کهگیلویه و بویر احمد (۳۴ مصوبه)، ایلام (۳۰ مصوبه)، مرکزی (۲۹ مصوبه)، هرمزگان (۲۷ مصوبه) و شهر تهران (۲۷ مصوبه) به ترتیب دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. شورای استان‌های اصفهان (۱۳ مصوبه)، خوزستان (۱۳ مصوبه)، قزوین (۱۳ مصوبه)، کردستان (۱۲ مصوبه)، آذربایجان غربی (۱۱ مصوبه)، کرمان (۷ مصوبه) و گیلان (۶ مصوبه) به ترتیب دارای کمترین تعداد مصوبه بوده‌اند. بر اساس اطلاعات جدول در طی سال‌های ۸۱ تا ۸۳، از نظر کیفیت، با توجه به امتیاز محاسبه شده، به ترتیب شورای استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، مرکزی، هرمزگان، شهر تهران، زنجان و شهرستان‌های تهران بالای میانگین (۲۷/۶) و دارای عملکرد خوب و شورای استان‌های گیلان، کرمان، اصفهان، آذربایجان غربی، خوزستان، کردستان، قزوین و اردبیل پایین‌تر از میانگین و دارای عملکرد ضعیف بوده‌اند.

سؤال دوم پژوهش: از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های کشور، میزان موفقیت شوراهای آموزش و پرورش در زمینه فراهم کردن نظارت مردم بر آموزش و پرورش چه میزان بوده است؟

مصاحبه شوندگان در مورد موفقیت شورا در مورد فراهم کردن زمینه نظارت مردم دارای سه دیدگاه هستند: از نظر ۱۳ نفر از مصاحبه شوندگان (۳۰ درصد) شورای آموزش و پرورش در فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش نسبتاً موفق بوده است. در ساختار آموزش و پرورش نمود این موفقیت آن است که از نمایندگان انجمن اولیاء و مربیان، نماینده شورای شهر و برخی دیگر از افراد به عنوان نماینده مردم دعوت می‌شوند تا طبق قانون در ترکیب شورا حضور پیدا کرده و مسایل و دیدگاه‌های مردم را مطرح کنند. البته موفقیت شورا با انتظاراتی که از او وجود دارد، متناسب نیست. شوراها باید بستر نظارت مردم بر آموزش و پرورش را بیش از پیش فراهم کنند و چنانکه مصاحبه شونده شماره ۴ تذکر می‌دهد توجه داشته باشند، اکنون نظارت به صورت محدود وجود دارد زیرا در بین اعضای شورا، معتمدین مردم حضور دارند ولی در مورد نظارت بر کل فرآیند آموزش و پرورش به دلیل وجود موانع متعدد، ظرفیت‌های خالی وجود دارد که لازم است برای برطرف کردن این موانع و بهره‌گیری هر چه بهتر از

فرصت‌ها تلاش شود. اما نه تنها خود آنها در زمینه نظارت آن طور که شایسته است اقدام نکرده‌اند (مصاحبه شونده شماره ۲۱) بلکه حتی طرح خاص و معینی برای فراهم کردن زمینه نظارت سایر مردم بر آموزش و پرورش نیز در شورا مطرح نشده و اقدام جدی صورت نگرفته است (مصاحبه شونده شماره ۴۳). به عبارت دیگر، از نظر دستورالعمل و بخشنامه، نظارت وجود دارد اما در عمل، هنوز اولیاء نظارت جدی بر کار آموزش و پرورش ندارند (مصاحبه شونده شماره ۲۳).

در مجموع، نهاد بسیار گسترده آموزش و پرورش نظارت همگانی را می‌طلبد که در قانون، فراهم کردن زمینه این امر بر عهده شورا گذاشته شده است. به گفته مصاحبه شونده شماره ۳۴، شاید بهترین فرصتی که شورا به وجود آورده، امکان انعکاس مسایل و گزارش عملکرد آموزش و پرورش به مسئولان و مردم است. اما در مورد فراهم کردن زمینه نظارت به طوری که منجر به بازخورد و اصلاح و بهبود روش‌ها شود، موفق نبوده است. دلیل آن وجود برخی از موانع و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های موجود است که در ادامه، نظر مصاحبه شوندگان درباره این موانع بررسی می‌شود.

از نظر ۲۴ نفر از مصاحبه شوندگان (۵۶ درصد) شوراها در فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش موفق نبوده‌اند. البته آنها تأکید نموده‌اند اکنون نظارت مردم بر آموزش و پرورش وضع بدی ندارد، زیرا در ترکیب شوراهای استان، شهرستان و مناطق نماینده انجمن اولیاء و مربیان، افرادی از دانشگاه، سازمان‌ها و مؤسسات دیگر به عنوان نیروهای معتمد حضور دارند. بنابراین، نظارت مردم به صورت نسبی وجود دارد. علاوه بر این، در بسیاری از شهرها و مناطق، مردم بر مدارس و سازمان‌های آموزش و پرورش نظارت دارند، نظر می‌دهند و برای کمک وارد می‌شوند، اما این نظارت حاصل عملکرد شورا نیست بلکه اعتقاد و علاقه خود مردم است که باعث این کار شده است (مصاحبه شونده شماره ۳۵). بر اساس تجربه این مصاحبه شوندگان اگر چه در این زمینه طبق قانون، شورا وظیفه مهمی بر عهده دارد، اما در عمل نتوانسته این امر را محقق سازد. با وجود آنکه نماینده انجمن اولیا و مربیان در شورا عضویت دارد و خود اعضای شورا فرزندان دارند که به مدرسه می‌روند و به نحوی با آموزش و پرورش سر و کار دارند

مسئولیت‌های اداری خاص به عضویت شورا منصوب می‌شوند تا با استفاده از اختیارات و امکاناتی که دارند، با این سازمان همکاری و بر کار آن نظارت کنند. عده دیگری از آنها به دلیل علاقه، تجربه و اطلاعات کافی در مورد آموزش و پرورش از راههای مختلف مثل انتخاب شدن از سوی انجمن اولیا و مربیان، برای عضویت در شورا انتخاب می‌شوند. به اعتقاد مصاحبه شونده‌گان، موظف شدن مسئولان برای عضویت در شورا از چند جهت مانع تحقق نظارت واقعی می‌شود: اول آنکه، چون آنها مسئولیت‌های سنگین دیگری دارند، حضورشان را در شورای آموزش و پرورش یک کار درجه دوم می‌دانند و آن را اولویت کاری خود تلقی نمی‌کنند. دوم آنکه، این افراد از طرف مقامات بالاتر منصوب شده‌اند، لذا اگر دستورالعمل‌ها و خواسته‌های شورای آموزش و پرورش با دستورالعمل‌هایی که از مرکز می‌آید، مغایر باشد، آنها خود را موظف می‌دانند که پاسخگوی وزارتخانه و سازمان متبوع خود باشند. سوم آنکه، اغلب، این گروه از اعضای شورا ثابت نیستند و با تغییر مسئولان در استان، شهرستان و منطقه تغییر می‌کنند. چهارم آنکه، اکثر آنها با قانون شورا آشنا نیستند و در جریان گزارش فعالیت‌های شورا

سؤال سوم پژوهش: از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استانهای کشور، چه موانعی بر سر راه نظارت مردم بر آموزش و پرورش وجود دارد؟

از نظر مصاحبه شونده‌گان، عواملی که شورا را در زمینه‌سازی برای نظارت مردم دچار مشکل کرده، هفت مورد است: مشکلات مربوط به شیوه انتخاب اعضا، فعال نبودن انجمن اولیا و مربیان در مدارس و نماینده آن در شورا، تأثیر مشکلات مالی، ضعف راهکارهای قانونی و دستورالعمل‌های اجرایی برای نظارت مردم، دیدگاه غلط مسئولان نسبت به نظارت مردم، تمرکز گرایی در آموزش و پرورش و ضعف وجود فرهنگ نظارت. در ادامه، پیرامون هر یک از موارد مذکور توضیحاتی ارائه می‌شود:

۱- مشکلات مربوط به شیوه انتخاب اعضا:

به اعتقاد چهار نفر از مصاحبه شونده‌گان (۹ درصد) یکی از موانع موفقیت شورا در فراهم کردن زمینه نظارت مردم، شیوه انتخاب افراد برای حضور در شورا است. طبق قانون، اعضای شورا به دو صورت انتخاب می‌شوند. عده‌ای از آنها مانند استاندار و شهردار به دلیل داشتن

و آموزش و پرورش هم قرار نمی‌گیرند. بنابراین، نه تنها آنها نمی‌توانند به دلیل عدم اطلاع، نظارت کنند (مصاحبه شونده شماره ۲۹) بلکه موضوعاتی مانند زمینه‌سازی برای نظارت مردم بر آموزش و پرورش نیز در جلسات مطرح نمی‌شود (مصاحبه شونده شماره ۲).

۲- فعال نبودن انجمن اولیا و مربیان در

مدارس و نماینده آن در شورا

دوازده نفر از مصاحبه شونده‌گان (۲۸ درصد) معتقدند فعال نبودن انجمن اولیا و مربیان و نماینده آنها در شورا، این نهاد را در زمینه سازی برای تحقق نظارت مردم بر آموزش و پرورش با مشکل مواجه نموده است. انجمن اولیا و مربیان یکی از نهادهایی است که به منظور فراهم ساختن بستر نظارت مردم بر عملکرد آموزش و پرورش در درون مدارس تشکیل می‌شود و طبق قانون شورا، یک نفر از اعضای آن به عنوان نماینده تمام انجمن‌های استان، شهرستان و یا منطقه در شورای استان، شهرستان یا منطقه حضور می‌یابد. در واقع، انجمن اولیا و مربیان ابزاری است که شورا می‌تواند با استفاده از آن نه تنها خود بر کار آموزش و پرورش نظارت کند، بلکه بوسیله آن، زمینه نظارت را برای سایر افراد و گروه‌های جامعه فراهم سازد. متأسفانه، شواهد موجود حاکی است انجمن اولیا و مربیان به دلایل متعددی نتوانسته است

به عقیده مصاحبه شونده‌گان، در شیوه انتخاب افراد معتمد که به عنوان نماینده گروه‌های مختلف جامعه در شورا حضور می‌یابند نیز دقت کافی به عمل نمی‌آید. برای مثال، مصاحبه شونده شماره ۲۷ توضیح داد:

در شورای آموزش و پرورش شهرستان، نماینده مدیران حضور دارد اما اغلب فردی انتخاب می‌شود که نماینده واقعی مدیران نیست. او از سوی شورا انتخاب می‌شود و مسلم است این فرد، مدیری است که همصدا، هم عقیده و همراه با شورا است.

علاوه بر موارد مذکور، به عقیده سه نفر از مصاحبه شونده‌گان (۷ درصد) یکی از موانع توفیق شورا در امر نظارت مردم، کم بودن تعداد نمایندگان مردم و تشکل‌های مردمی در شوراهاست. این مصاحبه شونده‌گان یادآوری نمودند در ترکیب اعضا، از طریق شرکت نماینده مدیران، اولیای دانش‌آموزان و

موجبات عملی شدن هدف مذکور را فراهم سازد. دلیل اول آن به گفته سه نفر از مصاحبه شونده‌گان (۷ درصد) این است که به دلیل کمبود اعتبارات تخصیص داده شده از سوی دولت به آموزش و پرورش عمده‌ترین کار این انجمن در مدارس جمع کردن کمک‌های مالی اولیاءست و فرصت زیادی برای سایر امور ندارند. دلیل دوم آن است که اغلب مدیران فضای لازم را برای انجام بخش دیگر فعالیت انجمن که پرداختن به اموری مانند نظارت بر پیشرفت کلاس‌های درس است، فراهم نمی‌کنند (مصاحبه شونده شماره ۱۷).

دلیل سوم آن است که اکثر اولیاء آمادگی لازم برای این حضور و نظارت را ندارند و در انتخاب آنها برای عضویت در انجمن هم دقت لازم اعمال نمی‌شود. گاهی اولیایی که از توانایی بالایی برخوردارند به دلیل مشغله کاری و یا باور نداشتن اهمیت وجود انجمن در مدرسه داوطلب نمی‌شوند (مصاحبه شونده شماره ۱۷). دلیل چهارم آن است که قوانین دست و پاگیر اداری باعث می‌شوند انجمن‌های اولیاء و مربیان در مدارس نتوانند امکان نظارت واقعی مردم بر آموزش و پرورش را به وجود آورند (مصاحبه شونده شماره ۶).

اولیا و مربیان در شورای آموزش و پرورش نیز یک مانع جدی برای فراهم شدن زمینه نظارت مردم است. همانطور که سه نفر از مصاحبه شونده‌گان (۹ درصد) اظهار داشتند در برخی مواقع اعضای انجمن، منتخبان واقعی اولیاء نیستند. مصاحبه شونده شماره ۱۸، برای توصیف این واقعیت اظهار داشت متأسفانه گاهی این طور عمل می‌شود که افرادی که اجازه دارند نماینده انجمن را به جلسات دعوت کنند، به این دلیل که می‌خواهند همفکری و همراهی در تصمیم‌گیری وجود داشته باشد، افرادی را انتخاب کرده و به جلسات شورا دعوت می‌کنند که نماینده واقعی انجمن اولیاء و مربیان و دانش‌آموزان نیستند و نظرات واقعی مردم را به شورا منعکس نمی‌کنند. دلیل دیگر آن به عقیده مصاحبه شونده شماره ۳۰ کم بودن مطالعات و عدم آمادگی قبلی برای شرکت در جلسات شورا است که باعث می‌شود نمایندگان مردم برای مثال نماینده انجمن اولیا و مربیان در جلسات کمتر نظر محققانه و کارشناسانه داشته باشند.

۳ - تأثیر مشکلات مالی بر فعالیت‌های شورا در زمینه نظارت

از نظر شش نفر از مصاحبه شونده‌گان

شیوه انتخاب و فعالیت نماینده انجمن

(۱۴ درصد) مشکلات مالی موجود در شورا و سازمان آموزش و پرورش باعث شده است تا شورا در فراهم کردن زمینه نظارت مردم توفیق چندانی نداشته باشد. آنها تأکید نموده‌اند که متأسفانه چندین سال است مسئولین در آموزش و پرورش با مشکل اساسی پرداخت حقوق، سرانه، مطالبات و تعمیرات مواجهند. به همین دلیل، در جلساتی که تشکیل می‌شود، بیشتر بحث‌ها در مورد مشکلات و رفع کمبودها بوده و مسایل مالی بررسی می‌شود. در نتیجه، نه تنها موضوع نظارت مردم یا نمایندگان آنها در شورا بر کار آموزش و پرورش کمتر مورد بحث و بررسی و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد، بلکه در یک دامنه وسیع‌تر می‌توان گفت: «محور اصلی همه فعالیت‌های شورا از جمله نظارت، بررسی کمبودها و کاسیت‌های مالی و عملکرد مسئولین و مدارس در این زمینه است، نه کیفیت برنامه‌های آموزشی و سایر فعالیت‌ها» (مصاحبه شونده شماره ۴۲).

بعد دیگر این مسأله، کمبود یا عدم وجود منابع مالی اختصاص یافته به شورا است، در حالی که انجام برخی از فعالیت‌های نظارتی از سوی اعضا و انجام اقدام‌های لازم برای آنکه سازمان‌ها و افراد دیگر جامعه بتوانند بر کار آموزش و پرورش

نظارت داشته باشند، وجود منابع مالی یا در واقع وجود این ابزار مورد نیاز برای نظارت است. به عقیده مصاحبه شونده شماره ۸: بهترین شکل نظارت آن است که از طریق اعضای شورا به خصوص معتمدان مردم باشد. آنها باید امکاناتی مثل پول و ماشین را داشته باشند و هزینه کنند تا بتوانند مثلاً به روستا بروند و بررسی‌های لازم را انجام دهند. باید یک اتاق در سازمان آموزش و پرورش برای اعضای شورا وجود داشته باشد، تا مردم آنجا مراجعه کرده و مطالباتشان را مطرح کنند.

۴- کمبود راهکارهای قانونی و

دستورالعمل‌های اجرایی برای نظارت مردم

پانزده نفر از مصاحبه شونده‌گان (۳۵ درصد) معتقدند یکی از عواملی که باعث شده شورا در فراهم کردن زمینه نظارت موفق نباشد آن است که در قانون یکی از وظایف شورا زمینه‌سازی برای نظارت مردم بر کار آموزش و پرورش شناخته شده است، اما تعریف جامع، چارچوب و راهکارهای اجرایی برای آن تعیین نشده است. به همین جهت، مردم نمی‌دانند چه کاری باید انجام دهند. شورا نیز در اطلاع رسانی با خلاءهای قانونی روبروست. در نتیجه، همان طور که

داشته‌اند، در بعضى از کلاس‌هاى درس مکان خاصى را در نظر گرفته‌اند تا والدین بتوانند با حضور در کلاس، فرآیند آموزش فرزندان خود را از نزدیک ملاحظه کنند و در نتیجه احساس مسئولیت و مشارکت کنند و مدرسه بتواند از پتانسیل والدین استفاده بیشتری ببرد (مصاحبه شونده شماره ۳۸).

اما در کشور ما حتى برای یک بار هم به طور آزمایشی با این کار موافقت نشده است. چون تصور می‌شود می‌خواهند عیب جویی کنند، نه کمک به حل مشکلات (مصاحبه شونده شماره ۱۲). همه مصاحبه شونده‌گان تأکید نموده‌اند جای شکی نیست حضور و نظارت مردم یک فرصت است. اساتید دانشگاه، روان‌شناسان، دبیران و غیره هر کدام فرزندانى دارند و می‌توانند به کمک مدارس فرزندانشان بیایند. اگر آنها احساس کنند که آموزش و پرورش به آنها نیاز دارد و مسئولان آموزش و پرورش به عنوان یک نیاز به سراغ آنها بروند، حتماً همکاری می‌کنند.

۶- تمرکزگرایی در آموزش و پرورش

از نظر هشت نفر از مصاحبه شونده‌گان (۱۹ درصد) یکی از عوامل عدم موفقیت شورا در امر نظارت، نگرش و تمایل مسئولان آموزش و پرورش به تمرکز در

پنج نفر از مصاحبه شونده‌گان (۱۳ درصد) اظهار داشته‌اند تاکنون شورا برای نظارت به طور جدی اقدام نکرده است. این کار فقط به صورت تصویب چند مصوبه انجام شده، اما بر شیوه اجرای این مصوبات هم نظارت وجود ندارد.

۵- دیدگاه غلط مسئولان نسبت به نظارت مردم

از نظر هشت نفر از مصاحبه شونده‌گان (۱۹ درصد) یکی از موانع مهم شورا طرز تلقی مسئولان آموزش و پرورش و مدیران مدارس نسبت به نظارت اولیاء است. اغلب آنها به جای آنکه این کار را یک فرصت بدانند، آن را دخالت در کار خود تلقی می‌کنند و از انتقادات و پیشنهادات آنها ناراحت می‌شوند. البته دیوار بی‌اعتمادی که بین مردم و مدیران مدارس وجود دارد، نیز این شیوه برخورد را تشدید می‌کند و موجب تقویت این تصور اولیاء می‌شود که اگر از کار مدرسه انتقاد کنند، روی نمره فرزندان آنها تأثیر می‌گذارد. به همین لحاظ، از اظهار نظر واقعی خودداری می‌کنند (مصاحبه شونده شماره ۳۹). این در حالی است که:

در بسیاری از کشورهاى پیشرفته که در استفاده از مشارکت و نظارت مردم توفیقاتی

یک طرفه‌ای را بر عهده گرفته است و نقشی برای مردم و حتی شورا نیز قایل نیست و علی‌رغم آنکه اختیار تصمیم‌گیری در بسیاری از امور آموزش و پرورش به عهده شورا واگذار شده است، اما در عمل وزارتخانه اعمال نظر می‌کند و حتی قطعنامه‌ها و بخشنامه‌های آن مانع از اعمال نظر شورا می‌شود (مصاحبه شونده شماره ۶). این طرز برخورد مسئولان آموزش و پرورش به اعتقاد مصاحبه شونده‌گان موجب شده حتی اعضای شورا، چنین ضرورتی را حس نکرده و نقش نظارتی خود را جدی نگیرند یا نخواهند بر اعمال مسئولان آموزش و پرورش نظارت و آنها را بازخواست کنند. در این شرایط مسلم است افرادی که هیچ مسئولیتی در این زمینه ندارند، بی تفاوت هستند.

۷- ضعف فرهنگ نظارت

شش نفر از مصاحبه شونده‌گان (۱۴ در صد) ضعف فرهنگ نظارت را یک مانع جدی برای موفقیت شورا دانستند. آنان تأکید نمودند عقاید و باورهای موجود در جامعه از چند جهت مانع تحقق نظارت می‌شوند. اول آنکه، در عمل مسئولان و اعضای شورا به چیزی تحت عنوان نظارت مردم اعتقاد

اختیارات و سیستم اداری بسته ناشی از آن است. ساختار آموزش و پرورش در کشور ما یک ساختار عمودی است و همه دستورات عملیها از بالا به پایین می‌آید. بدیهی است در چنین ساختاری امکان نظارت برای شورا وجود ندارد چون شورا در واقع، می‌خواهد برعکس این عمل کند. در این ساختار مردم هم توانایی و قدرت قانونی برای نظارت را ندارند. در نتیجه، تلاش‌های شورا برای زمینه‌سازی نظارت مردم بی نتیجه می‌ماند. همه این مصاحبه شونده‌گان تأکید نمودند یکی از علل گرایش مسئولین آموزش و پرورش کشور به تمرکز در امور، نداشتن اعتماد به مردم است. علت دیگر آن ضعف مدیریت در داشتن دیدگاه مشارکتی است که باعث غفلت آنها از این نکته است که مشارکت توأم با نظارت است. هنگامی مردم در کارها شریک می‌شوند که انتقادات آنها برای پیشرفت امور پذیرفته شود (مصاحبه شونده شماره ۶). همان طور که مصاحبه شونده شماره ۱ مثال می‌زند «وقتی که مردم به وضعیتی در آموزش و پرورش اعتراض می‌کنند و ادعا می‌شود که این قانون است، این یک بخشنامه ارسالی از وزارتخانه است، نقش نظارتی مردم کم رنگ می‌شود». به طور کلی، آموزش و پرورش نقش

مسائل آموزش و پرورش، یکی از عواملی است که باعث عدم موفقیت شورا در فراهم کردن زمینه نظارت مردم شده است. بر اساس نظر آنها، اگر چه آگاهی مردم نسبت به آموزش و پرورش افزایش یافته، اما هنوز کافی نیست. کمبود آگاهی باعث عدم رغبت مردم برای بیان دیدگاهشان در مورد مسائل آموزش و پرورش می‌شود.

سؤال چهارم پژوهش: از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های کشور، چه فرصت‌هایی برای فراهم کردن نظارت مردم بر آموزش و پرورش وجود دارد؟

اعضای شورای استان‌ها معتقدند شورا می‌تواند از فرصت‌هایی برای فراهم ساختن زمینه نظارت مردم در آموزش و پرورش استفاده کند که شامل سه مورد: وجود انجمن اولیا و مربیان در مدارس، حضور نمایندگان مردم و دولت در شورا و قوانین موجود در آموزش و پرورش می‌باشد که در ادامه توضیحاتی در مورد هر کدام ارائه می‌شود.

۱- وجود انجمن اولیا و مربیان در مدارس

نه نفر از مصاحبه شونده‌گان (۲۱ درصد) معتقدند یکی از فرصت‌هایی که

ندارند و به آن بهایی نمی‌دهند. در سطوح پایین یعنی مدارس، هنگامی که والدین به وضعیت تحصیلی فرزندانشان اعتراض می‌کنند، معمولاً کسی به آن بها نمی‌دهد و آن را پی‌گیری نمی‌کند. بدیهی است وقتی که او پاسخ مورد انتظار را دریافت نمی‌کند، در سطوح بالاتر هم هیچ رغبتی برای نظارت بر کار آموزش و پرورش نخواهد داشت (مصاحبه شونده شماره ۳۷). دوم آنکه، بسیاری از مردم و بخش خصوصی نقش نظارتی خود را کم‌رنگ می‌بینند و اعتقاد دارند مسئولین آموزش و پرورش هر کاری که بخواهند، انجام می‌دهند (مصاحبه شونده شماره ۳۱). سوم آنکه، اغلب انسان‌ها دوست دارند وضع موجود را حفظ کنند و کمتر به خلاقیت و تغییر بها می‌دهند (مصاحبه شونده شماره ۱۲) و شاید مهمترین باوری که تأثیر منفی دارد آن است که اولیا نسبت به وضعیت تربیتی بچه‌ها در مدارس توجه ندارند و اگر نظارتی هم هست بر بعد آموزشی است و این نظارت هم یک‌جانبه و به شکل انتقاد از اقدامات انجام شده است یعنی اولیاء به این موضوع که آنها چه کاری می‌توانند انجام دهند توجه ندارند.

از نظر شش نفر از مصاحبه شونده‌گان (۱۴ درصد) کمبود یا عدم آگاهی مردم از

شورا با بهره‌گیری صحیح از آن می‌تواند دیدگاه‌های آنها استفاده کنند.

۲- حضور نمایندگان مردم و دولت در شورا

از نظر چهارده نفر از مصاحبه شونده‌گان (۳۳ درصد) حضور نمایندگان مردم و مسئولین برخی از سازمان‌های دولتی در شورا فرصت خوبی برای فراهم کردن زمینه نظارت مردم توسط شورا است. به این دلیل که مسئولین سایر سازمان‌ها بر اساس وظایف سازمانی خود بر برخی از سازمان‌های دیگر نظارت داشته و یا با آنها همکاری می‌کنند، حضور آنها در شورا امکان نظارت بهتر ایشان بر سازمان آموزش و پرورش را فراهم می‌کند، زیرا:

در ابتدای هر جلسه شورا، گزارشی از وضع آموزش و پرورش به اطلاع اعضا رسانده می‌شود. هنگامی که آنها از موانع و فرصت‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌های آموزش و پرورش آگاه می‌شوند، می‌توانند از جایگاه نظارتی اظهار نظر کنند و متناسب با آگاهی به دست آمده پیشنهاد دهند و آنها را به تصویب رسانند (مصاحبه شونده شماره ۴۲). در همین راستا، حضور فعال نمایندگان مردم در ترکیب شورای آموزش و پرورش می‌تواند در شناسایی مسایل موجود و تعیین

شورا با بهره‌گیری صحیح از آن می‌تواند وظیفه خود را در زمینه‌سازی برای نظارت مردم به خوبی انجام دهد، وجود انجمن اولیا و مربیان است. «اگر چه شوراهای استان، شهرستان و مناطق با ترکیبی شامل مسئولین و نمایندگان مردم تشکیل شده و فعال شده‌اند اما ارتباط منسجمی با مدارس ندارند. وجود انجمن اولیا و مربیان در شورا می‌تواند این مشکل را برطرف کند» (مصاحبه شونده شماره ۱). همچنین از اولیا بخواهند تا در مورد مسایل مربوط به مدرسه اظهار نظر کنند (مصاحبه شونده شماره ۳). نماینده این انجمن در شورا نیز می‌تواند هم در سیاستگذاری‌های شورای استان و مناطق مؤثر باشد و هم آنها را به سطح مدارس منتقل کند تا نظارت‌ها و مشارکت‌ها شکل بگیرد (مصاحبه شونده شماره ۲۶). با وجود آنکه سال به سال حضور این انجمن و بهره‌گیری از پتانسیل‌های آن در مدرسه بهتر می‌شود، اما تاکنون، انجمن بیشتر به بعد مشارکت مالی مردم پرداخته است و در بعد نظارت فعالیت چشمگیری نداشته است. مصاحبه شونده‌گان تأکید نمودند مدارس در امور آموزشی و پرورشی قوی هستند که انجمنی قوی داشته باشند و بتوانند در عمل امکان نظارت مردم را فراهم کرده و از

آموزش و پرورش و عملکرد آن سؤال و آن را ارزیابی کند و سپس، تصویری واقعی از نتایج به دست آمده و مشکلات موجود ارائه دهند. علاوه بر این، طبق قانون، شورا می‌تواند در تصمیم‌گیری مسئولین و نظارت مردم نقش مؤثری ایفا کند و میزان نظارت آنها را افزایش دهد. آنچه تاکنون عملی شده است، بخش کوچکی از ظرفیت قوانین موجود است و به گفته مصاحبه شونده شماره ۹، شورا باید از این فرصت بالقوه به خوبی بهره گیرد و با تبیین سیاست‌های کلان، قوانین موجود و هماهنگی با سایر بخش‌ها، فعالیت‌های نظارتی در آموزش و پرورش را با فعالیت‌های دیگر این سازمان هماهنگ کند.

در مجموع، امروزه دیدگاه جامعه نسبت به آموزش و پرورش تغییر کرده است و این تغییر نگرش، فرصت مناسبی است تا شورا بتواند زمینه‌های نظارت مردم بر کار آموزش و پرورش را هر چه بیشتر فراهم کند. مصاحبه شونده شماره ۴، در این باره گفت:

نظارت باعث تناسب برنامه‌ها با نیاز جامعه می‌شود و به آموزش و پرورش کمک می‌کند تا برنامه‌های خود را به روز کند. هر چه ما زمینه نظارت را فراهم کنیم، مردم

خط مشی فکری وزارت آموزش و پرورش تعیین کننده باشد. همچنین باعث می‌شود مردم در جریان مسایل کلان آموزش و پرورش استان، قرار گیرند (مصاحبه شونده شماره ۳۰). البته شرط موفقیت این اعضا از نظر مصاحبه شونده آن است که نماینده انجمن واقعاً نماینده مردم باشد و از میان اعضای انجمن‌ها انتخاب شود و در جلسات به طور مرتب شرکت کند (مصاحبه شونده شماره ۱۸). همچنین، نهاد انجمن اولیاء و مربیان تقویت شده و این ذهنیت در آنجا القاء گردد که این یک نهاد اساسی برای تعلیم و تربیت است. شرط دیگر آن به عقیده سه نفر از مصاحبه شونده‌گان (۷ درصد) این است که تعداد آنها در شورا بیشتر شود یا شیوه انتخاب آنها بهتر شود.

۳- قوانین موجود در آموزش و پرورش

از نظر چهار نفر از مصاحبه شونده‌گان (۹ درصد) قوانین موجود در آموزش و پرورش به ویژه قانون شورا فرصتی است که شورا با استفاده از آن می‌تواند زمینه نظارت مردم را هر چه بیشتر فراهم کند. از نظر قانون، شورا می‌تواند نظارت فعال داشته باشد و همان طور که مصاحبه شونده شماره ۴۱، اشاره داشت، اعضای آن می‌توانند از

احساس رضایت بیشتری خواهند کرد. در نتیجه، مشارکت آنها هم زیادتر خواهد شد. نظارت مردم و مشارکت آنان در امر آموزش و پرورش لازم و ملزوم یکدیگرند. مسئولان نمی‌توانند انتظار داشته باشند که مردم در آموزش و پرورش مشارکت داشته باشند، اما حق نظارت نداشته باشند.

در اثر تلاش مسئولان، اکنون آموزش و پرورش در این جهت در حال حرکت است که نظارت معنادار اولیاء دانش‌آموزان را بر فعالیت مدارس نهادینه کند، به طوری که آنها در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدرسه، یعنی در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و نظارت بر تمام فعالیت‌های آموزش و پرورش شرکت کنند.

سؤال پنجم پژوهش: از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش مناطق و شهرستانهای کشور، شوراهای آموزش و پرورش چه فرصتهایی را برای نظارت مردم بر آموزش و پرورش فراهم ساخته است؟

برای بررسی فرصت‌های ناشی از تشکیل شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها، از ابزار پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس اهداف و وظایف شوراهای آموزش و پرورش و یافته‌های مصاحبه‌ها تهیه و

تدوین گردید. در این پرسشنامه ۸ سؤال به سبک پنج درجه‌ای طیف لیکرت تنظیم شده که در آن از افراد خواسته شده است تا نظرات خود را درباره فرصت‌های ایجاد شده در اثر اجرای قانون شوراهای آموزش و پرورش بیان نمایند.

پرسشنامه برای ۳۱۳ نفر از اعضای شوراهای آموزش و پرورش مناطق و شهرستان‌های استان‌های خوزستان، مازندران، آذربایجان شرقی، کردستان، کرمان و اصفهان ارسال گردید. سپس، با توجه به نمره‌های در نظر گرفته شده و برای هر یک از پنج مقیاس (بسیار زیاد=۵، زیاد=۴، تا حدودی=۳، کم=۲، بسیار کم=۱، و اصلاً=۰) محاسبات لازم انجام و نتایج آن در جدول‌های شماره ۲ تا ۵ درج شده است.

جدول شماره ۲ گویه‌های مربوط به فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش را نشان می‌دهد. بر اساس این اطلاعات، برنامه‌ریزی برای شیوه‌های جدید نظارت آموزش و پرورش بر مدارس با میانگین وزنی ۱/۹۹ و برنامه‌ریزی در خصوص نحوه جذب و گزینش نیروی انسانی با میانگین وزنی ۱/۸۳ (گویه‌های ۴ و ۵) ضعیف‌ترین اقدامات شورا در زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش بوده‌اند.

جدول ۲. فراوانی، درصد و میانگین نظرات پاسخ دهندگان به گویه‌های مربوط به نظارت مردم بر آموزش و پرورش

شماره	گویه‌ها	طیف	بسیار زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی
۱	فراهم نمودن زمینه نظارت مردم بر فعالیت‌های آموزش و پرورش	فراوانی درصد	۳۵	۸۵	۱۳۱	۴۵	۱۳	۴	۳/۳۲
۲	برنامه‌ریزی و نظارت بر توزیع سرانه مدارس	فراوانی درصد	۵۱	۹۳	۸۷	۳۷	۲۳	۲۲	۳/۱۴
۳	نظارت بر اختصاص فضاهای آموزشی و پرورشی مورد نیاز در شهرها و شهرک‌های مسکونی جدید	فراوانی درصد	۳۶	۷۴	۱۰۳	۵۲	۲۸	۲۰	۲/۹۲
۴	برنامه‌ریزی در خصوص نحوه جذب و گزینش نیروی انسانی	فراوانی درصد	۹	۴۳	۷۹	۶۱	۴۵	۷۶	۱/۸۳
۵	برنامه‌ریزی برای شیوه‌های جدید نظارت آموزش و پرورش بر مدارس	فراوانی درصد	۲۶	۹۲	۱۰۳	۴۶	۲۷	۱۹	۱/۹۹
۶	تصویب ضوابط مربوط به تعیین هزینه سرانه دانش‌آموزی	فراوانی درصد	۴۰	۸۶	۱۰۰	۴۶	۲۴	۱۷	۳/۰۶
۷	سیاست‌گذاری برای ایجاد، توسعه و تجهیز فضاهای آموزش و پرورش	فراوانی درصد	۵۹	۱۱۰	۸۵	۳۷	۱۵	۷	۲/۹۲
۸	نظارت بر ایجاد تحول اداری در آموزش و پرورش	فراوانی درصد	۳۴	۷۳	۱۱۲	۴۹	۲۵	۲۰	۲/۹۴

گویه‌های ۱ و ۲ نیز بالاترین میانگین را برای آنها نسبت به حداکثر میانگین (۵) کسب نموده‌اند. البته میانگین به دست آمده چندان بالا نبوده و در حد متوسط است.

جدول ۳. مقایسه نظرات اعضای مرد و زن شورای آموزش و پرورش استان‌ها در خصوص فراهم کردن زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش

جنس	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی‌داری
مرد	۲۴۹	۲/۱۶	۳۱۱	۱/۶۲	۰/۶۰۲
زن	۱۹	۲/۸۸			

مدارس برای شیوه‌های جدید نظارت و تلاش در جهت دریافت نظرهای متخصصان تفاوت قابل ملاحظه‌ای با هم ندارد.

بر اساس اطلاعات جدول ۴، بین نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های مورد بررسی در خصوص فراهم کردن زمینه نظارت مردم در آموزش و پرورش بر حسب مدرک تحصیلی در سطح $p \leq 0/208$ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

بر اساس اطلاعات جدول ۴، بین نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان‌های مورد بررسی در خصوص فراهم

بر اساس نتایج جدول ۳، بین اعضای شورای آموزش و پرورش بر حسب متغیر جنس در خصوص فرصت‌های ایجاد شده برای فراهم کردن زمینه‌های نظارت مردم در آموزش و پرورش در سطح $p \leq 0/602$ تفاوت معنی‌دار نیست. به عبارت دیگر، نظر مردان و زنان عضو شوراهای آموزش و پرورش در خصوص فراهم کردن زمینه‌های نظارت مردم بر آموزش و پرورش، همچون برنامه‌ریزی برای شیوه‌های جدید نظارت در آموزش و پرورش، حرکت به سوی تفویض اختیار به مدارس، تلاش برای فعال سازی

جدول ۴. مقایسه نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش در خصوص فراهم کردن زمینه نظارت مردم در آموزش و پرورش بر حسب مدرک تحصیلی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح معناداری
بین گروهی	۵/۰۴۱	۴	۱/۲۶	۱/۴۸	۰/۲۰۸
درون گروهی	۲۶۲/۲۳۹	۳۰۸	۰/۸۵۱		
کل	۲۶۷/۲۷۹	۳۱۲			

جدول ۵. مقایسه نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش در خصوص فراهم کردن زمینه نظارت مردم در آموزش و پرورش بر حسب استان‌های مورد بررسی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح معناداری
بین گروهی	۱۴/۰۹۷	۵	۲/۸۱۹	۳/۴۱۹	۰/۰۰۵
درون گروهی	۲۵۳/۱۸۳	۳۰۷	۰/۸۲۵		
کل	۲۶۷/۲۷۹	۳۱۲			

مسئولان اجرایی سایر دستگاههای کشور نیز چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارند. چنانچه هدف‌های شورا تحقق یابد، می‌تواند تحولی بنیادین در آموزش و پرورش به وجود آورد، چرا که عمده‌ترین محور این شوراهای، تصمیم‌گیری و نظارت‌های مردمی و محلی و استفاده از کلیه منابع در پاسخگویی به مسائل و معضلات آموزش و پرورش است (قاسمی پویا، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶ و ۱۰۷). پس از گذشت یک دهه از فعالیت شوراهای، بررسی مصوبات آنها طی سال‌های ۸۳-۱۳۸۱ نشان می‌دهد شورای آموزش و پرورش استان کرمانشاه بالاترین تعداد مصوبات را داشته و بعد از آن استان‌های کهگیلویه و بویر-احمد، ایلام و مرکزی به ترتیب دارای بیشترین فراوانی بودند. استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمان و گیلان، به ترتیب دارای کمترین تعداد مصوبه بوده‌اند. به نظر می‌رسد

کردن زمینه نظارت مردم در آموزش و پرورش بر حسب مدرک تحصیلی در سطح $p \leq 0/208$ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

بر اساس نتایج جدول ۵، بین نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان در خصوص فراهم کردن زمینه نظارت مردم در آموزش و پرورش بر حسب استان‌های مورد بررسی در سطح $p \leq 0/005$ تفاوت معنی‌دار مشاهده می‌شود. برای مقایسه تفاوت میان استان‌ها، آزمون شفه انجام شد. اما به منظور جلوگیری از طولانی شدن مقاله نتایج ارائه نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پیام اصلی قانون شوراهای آموزش و پرورش این است که حل مشکل دانش‌آموزان، معلمان و مدارس فقط به عهده آموزش و پرورش نیست، بلکه مردم و

شورای استانی‌هایی که از محرومیت بیشتری برخوردار بوده‌اند به تشکیل جلسات شوراها و نحوه عملکردشان بیشتر اهمیت داده‌اند و بهتر پیگیر تدوین و اجرای مصوبات بوده‌اند و به مسائل و نیازهای آموزش و پرورش به طور چشم‌گیری توجه داشته‌اند.

یافته‌های حاصل از بررسی کیفیت محتوای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها طی سالهای ۸۳-۸۱ نیز نشان داد که استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، ایلام، مرکزی، هرمزگان، شهر تهران، زنجان و شهرستان‌های تهران در خصوص فراهم کردن و مساعد ساختن زمینه‌های نظارت مردم در آموزش و پرورش

و مؤلفه‌های مربوط همچون استقرار نظام پیشنهادها در آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی برای نظارت انجمن‌های اولیا و مربیان بر فعالیت‌های مدارس و بررسی و تصویب مکانیسم‌هایی برای نظارت اولیاء دانش‌آموزان بر عملکرد مدارس، دارای عملکرد خوب بوده (جدول ۱) و استان‌های گیلان، کرمان، آذربایجان غربی، خوزستان، کردستان، قزوین و اردبیل عملکرد ضعیفی داشته‌اند.

در خصوص عملکرد شوراهای آموزش و پرورش در زمینه تحقق هدف

فراهم کردن امکان نظارت مردم در امر آموزش و پرورش باید گفت در قانون شوراهای آموزش و پرورش این هدف بسیار کلی و مبهم آمده است. همچنین، با توجه به ساختار متمرکز وزارت آموزش و پرورش و عدم اختیارات سازمان‌های آموزش و پرورش به ویژه در بخش منابع مالی و نیروی انسانی تحقق این هدف بسیار مشکل است. به همین دلیل، اکثر استان‌ها در خصوص عملیاتی نمودن این هدف با ابهام روبرو بوده‌اند. بنابراین، لازم است قانونگذاران و همچنین معاونت مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش اهداف جزئی و عملیاتی مربوط به این هدف را روشن‌تر بیان نمایند.

نتایج حاصل از پژوهش در خصوص فراهم کردن و مساعد ساختن نظارت مردم در آموزش و پرورش با یافته‌های پژوهش قاسمی (۱۳۸۳) مغایر است. در تحقیق قاسمی اشاره شده است از نظر اعضای شوراهای آموزش و پرورش هدف فراهم کردن و مساعد ساختن نظارت مردم در آموزش و پرورش بطور کامل تحقق یافته است، در حالی که بر اساس شواهد و بررسی اسناد و نظرات اعضای شوراهای آموزش و پرورش در پژوهش حاضر، یکی از اهداف

آموزش و پرورش که تحقق نیافته، هدف فوق می‌باشد و عملکرد شوراهای آموزش و پرورش استان در این زمینه ضعیف ارزیابی می‌گردد. درباره علل این موضوع می‌توان به مشکلات موجود در شیوه انتخاب اعضا، فعال نبودن انجمن اولیا و مربیان، تأثیر مشکلات مالی، عدم آگاهی از وجود شورا، ضعف راهکارهای قانونی و دستورالعمل‌های اجرایی، دیدگاه غلط مسئولان و ضعف فرهنگ نظارت اشاره نمود.

نتایج این پژوهش در زمینه نظارت مردم بر آموزش و پرورش با یافته‌های تحقیق ایزدی (۱۳۵۴)، قاسمی پویا (۱۳۸۰)، سالاریان (۱۳۷۹)، احراری (۱۳۷۹) و تقوی

طلب (۱۳۸۰) همخوانی دارد. این نتایج حاکی است آموزش و پرورش می‌تواند با استفاده از فرصت‌هایی مانند: وجود انجمن اولیا و مربیان در مدارس، حضور نمایندگان مردم و دولت در شورا و قوانین موجود در آموزش و پرورش، زمینه افزایش هر چه بیشتر نظارت مردم در امور این سازمان را فراهم کند. برای استفاده هر چه بیشتر از فرصت‌های ایجاد شده برای نظارت مردم بر آموزش و پرورش، توجه به توصیه‌های زیر راهگشا خواهد بود:

- بدیهی است شورای آموزش و پرورش برای انجام وظایف خود در این گونه موارد به حضور تعداد زیادی از مسئولین ادارات و سازمان‌ها نیاز دارد. از یک سو، امکان انتصاب قانونی آنها برای عضویت در شورا وجود ندارد و از طرف دیگر، آن دسته که طبق قانون منصوب می‌شوند به دلایلی مانند عدم ثبات در سمت، مشغله فراوان و مسئولیت‌های سازمانی تفویض شده از بالا حضور فعالی ندارند. بنابراین، باید قانون شورا اصلاح شود و ترکیب اعضای آن تغییر یابد و یا بعضی وظایف شورا به دستگاه‌های موازی مثل شورای شهر یا شهرداری واگذار گردد.

- تحقق نظارت مردم بر آموزش و پرورش مستلزم آن است که از تمام گروه‌های وابسته به آموزش و پرورش نماینده‌ای در شورا حضور داشته باشد. لازم است به جای اینکه شورا خود این نماینده را انتخاب کند، از سوی گروه‌های ذیربط معرفی شود. در این صورت، می‌توان از بحث‌های مطرح شده در شورا در زمینه نظارت نتایج بهتری گرفت.

- تلاش شود نماینده انجمن اولیا و مربیان در شورا واقعاً توسط اعضای این

- انجمن انتخاب شود. شایان ذکر است که افزایش تعداد آنها و کاهش تعداد اعضای انتصابی مناسب به نظر می‌رسد زیرا می‌توان این گروه از اعضا یعنی مسئولین را به صورت مدعو به جلسات دعوت کرد.
- توصیه می‌شود مسئولان و دستگاههای تصمیم ساز در مورد بودجه، حداقل در طی ده سال گذشته، بودجه مصوب را با بودجه عملکردی مقایسه کنند. اگر آنها بر هم منطبق بودند آن وقت می‌توان انتظار داشت که شورای آموزش و پرورش بتواند بر شیوه عملکرد مسئولان سازمان، مدارس، انجمن اولیا و مربیان و غیره نظارت داشته باشد و نقص‌ها و نارسائی‌ها را ناشی از ضعف مدیریت مدرسه، منطقه یا سازمان بداند. در آن صورت، شورا می‌تواند از انجمن اولیاء و مردم بخواهد به جای تأکید بر گرفتن کمک‌های مالی، بیشتر درصدد کمک گرفتن از مشارکت فکری و در نتیجه نظارت اولیاء بر کار مدارس باشد. بنابراین، ابتدا باید پایه بودجه آموزش و پرورش را اصلاح کرد سپس، انتظار داشت شورا زمینه ساز نظارت مردم باشد.
- شرط لازم برای نظارت آن است که تعریف دقیق و مدونی از نظارت ارائه شود و سیستمی با قدرت و اختیار، جدای از مسئولان تشکیل شود و با صراحت، کار نظارت را انجام دهد و پی‌گیری کند.
- برای رفع مشکلات قانونی موجود برای تشویق مردم به نظارت و یا فراهم کردن زمینه آن، افزون بر تصویب مصوبات لازم، باید ضمانت اجرایی این دستورات هم، در عمل بیشتر شود. برای این منظور در قانون شوراها، باید نحوه نظارت مردم تعریف شود. علاوه بر این، نقش نمایندگان مردم در شورا پررنگ‌تر شود و در بخش‌های دیگر مثل مدارس هم نقش نظارتی آنها دقیقاً تعریف شود و این تعاریف در چارچوبی قرار گیرد که آنها بازخورد نظارت خود را ببینند و انگیزه پیدا کنند.
- مسئولان آموزش و پرورش باید این موضوع را بپذیرند که مردم حق نظارت بر تحصیل فرزندانشان را دارند ولی تصمیم گیرنده و هماهنگ کننده فعالیت‌های آموزشی مدیران هستند. مدیران باید بستر نظارت مردم و ارائه پیشنهادات در مسایل آموزشی را به وجود آورند. آنها باید توجه داشته باشند نظارت مردم بر آموزش و پرورش، فرصت‌های خوبی را برای برنامه‌ریزان این سازمان فراهم می‌کند. اول

آنکه باعث می‌شود برنامه‌ها با نیاز جامعه متناسب شود و آموزش و پرورش فعالیت‌های خود را به روز کند. دوم آنکه هر چه مسئولان زمینه نظارت را بیشتر فراهم کنند، مردم احساس رضایت بیشتری خواهند کرد. در نتیجه، مشارکت آنها هم زیادتر می‌شود. مسئولان نمی‌توانند انتظار داشته باشند که مردم در آموزش و پرورش مشارکت داشته باشند، اما حق نظارت نداشته باشند. بدیهی است این نظارت شامل همه موارد مدیریتی، بودجه و تدریس معلمان می‌شود.

- برای آنکه نماینده انجمن اولیا و مربیان در نظارت اثرگذار باشد باید به شکل هرمی عمل کرد. در سطح مدرسه اولیاء را تشویق نمود تا در انتخاب و انجام فعالیت‌های مدرسه نقش ایفا کنند و سپس با برقراری ارتباط میان مدرسه‌ها، از میان اعضای انجمن اولیاء و مربیان آنها نمایندگانی را برای شورا انتخاب کرد. این نمایندگان، می‌توانند رابط خوبی میان مردم و شورا باشند و نظارت را تحقق بخشند.

در مجموع، نظارت و حضور مردم پر ارزش‌ترین سرمایه برای آموزش و پرورش است. بسیاری از خانواده‌ها واقعاً آمادگی دارند در این فعالیت‌ها مشارکت داشته باشند، اما به نتیجه رسیدن یا نرسیدن آنها بستگی به این دارد که مدیران مدارس و سازمان آموزش و پرورش و اعضای شورا، چگونه با آنها ارتباط برقرار کرده و آنها را با مسایل خود آشنا کنند و از توانمندی‌هایشان استفاده نمایند.

تشکر و قدردانی

از حمایت‌های معنوی و مادی دانشگاه اصفهان، معاونت توسعه مشارکت‌های مردمی

شکی نیست که برای تقویت فرهنگ نظارت باید تلاش جدی صورت گیرد و در جامعه یک نگاه کلی نسبت به لزوم نظارت بر آموزش و پرورش و توسعه آن به وجود آید. اگر این انتظار وجود دارد که شورا زمینه نظارت را فراهم کند باید از پایین به بالا شروع کرد و مقدمات نظارت را از مدارس فراهم نمود و آن را گسترش داد. به این ترتیب، متخصصان و خبرگان در تعلیم و تربیت و نمایندگان مردم می‌توانند مسایل را بیان کنند و به طرز منطقی به سطوح بالاتر انتقال پیدا کند.

وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت
و برنامه‌ریزی کشور برای انجام این پروژه
تقدیر و تشکر می‌گردد.

منابع

فارسی

- احراری، رضا (۱۳۷۹). نقش شوراهای آموزش و پرورش در تغییر بافت فرهنگی جامعه، مجموعه مقالات همایش تغییر و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی، تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، چاپ اول.
- اکرمی، سیدکاظم (۱۳۸۲). مشارکت و تعاون در فرهنگ اسلام و دنیای امروز، فصلنامه فرهنگ مشارکت، سال نهم، شماره ۳۶.
- تقوی طلب، میرایوب (۱۳۸۰). بررسی چگونگی توسعه مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش استان‌های عضو کانون منطقه یک کشوری (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، همدان، زنجان، کردستان)، طرح آموزش و پرورش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سالاریان، عنایت (۱۳۷۹). آسایش معلم، راحتی دانش‌آموز، قانون شوراها هدف‌های دیگری هم دارد، مجموعه مقالات مربوط به شوراهای آموزش و پرورش (دفتر اول)، گردآورنده رضا احراری، تهران، انتشارات آذربزین، چاپ اول.

سیمونز، جان (۱۳۸۳). امید به گسترش مشارکت در هزاره سوم، ترجمه مژگان حاج رجبی،

فصلنامه فرهنگ مشارکت، سال دهم، شماره ۳۹.

طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰ ب). مشارکت به چه معنی است؟ فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۱۳.

قاسمی، وحید (۱۳۸۱). نظرسنجی پیرامون تحقق اهداف شوراهای آموزش و پرورش مناطق

و شهرستان‌های استان اصفهان از نظر اعضا، شورای تحقیقات سازمان آموزش و

پرورش استان اصفهان (پایگاه نظرسنجی آموزش و پرورش استان اصفهان).

فلاح پور، محمدرضا (۱۳۷۹). ویژگی‌ها و اهداف تشکیل شوراهای آموزش و پرورش، گفتمان

شوراها، ویژه نامه فصلنامه فرهنگ مشارکت، انتشارات وزارت آموزش و پرورش.

قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۲ الف). شناخت موانع موجود در مسیر مشارکت‌های مردمی و راههای

رفع این موانع، مجموعه مقالات همایش مشارکت و نظارت مردم در آموزش و

پرورش، اراک، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی. چاپ اول.

مک لگان، پاتریشیا؛ نل، کریستو (۱۳۷۷). عصر مشارکت، ترجمه مصطفی اسلامی، تهران،

انتشارات دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.

وایلز. ج. باندی. ج. (۱۳۸۲). نظارت در مدیریت و برنامه‌ریزی و راهنمایی متقابل. ترجمه

م. ر. بهرنگی. تهران: اشکان. چاپ دوم.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۲). قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها،

شهرستان‌ها و مناطق کشور مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی، انتشارات معاونت

مشارکت‌های مردمی دفتر ترویج مشارکت و امور شوراها، چاپ پنجم.

لاتین

Carnall, C. (2003). **Management Change in Organizations**. Pearson Education Limited, Harlow.

Council of Humpty Doo Primary School. (2005). **Function of School Councils**. Retrived from: [www. Schools. nt. edu. au](http://www.Schools.nt.edu.au).

-
- Jamali, D. (2003). Changing Management Paradigms: Implications for Educational Institutions. *Journal of Management Development*, 24(2), 42-60.
- Sergiovanni, T. J., and Starrat, R. J. (1994). **Supervision: Human Perspectives**. New York: Mc Grow Hill.
- Tennessee State Board of Education. (2005). *Early Childhood Education: Policy of Local School Systems*. P: 1-10. Retrived from: www.state.tn.us/education.